



جستجویی در نهج البلاغه

نوشته:

علامه محمد مهدی شمس الدین

ترجمه:

دکتر محسن کسود عابدی

www.kebab.ir

سرشناسه: شمس‌الدین، محمد مهدی، ۱۹۳۱-۲۰۰۱ م.
Shamsal-Din, Muhammad Mahdi.

عنوان قرارداد: دراسات فی نهج البلاغه.

عنوان و نام پدیدآور: جستجوی در نهج البلاغه / نوشته محمد مهدی شمس‌الدین؛ ترجمه دکتر محمود عابدی.

وضعیت ویراست: ویراست ۲

مشخصات نشر: تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.

شابک: ۲-۲۰-۶۳۴۸-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فبا

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع). امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. نهج البلاغه. - نقد و تفسیر.

شناسه افزوده: عابدی، محمود، ۱۳۲۴ - مترجم.

شناسه افزوده: بنیاد نهج البلاغه.

رده‌بندی کنگره: ۸ ۱۳۸۶ ش / ۰۸ / ۲۸ BP

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۷۴۷۷۴



جستجوی در نهج البلاغه

مؤلف: محمد مهدی شمس‌الدین

مترجم: دکتر محمود عابدی

ناشر: انتشارات بنیاد نهج البلاغه

چاپ: دوم ۱۳۸۶

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۸-۹۹-۶۳۴۸-۹۶۴-۹۷۸

ISBN : 978-964-6348-99-8

قیمت: ۲۶۰۰۰ ریال

www.nahjtofbalaghch.org

E-mail: info@nahjtofbalaghch.org

نشانی: تهران، خیابان استاد نجات‌المهی، کوچه افشین، پلاک ۸

سندوق پستی: ۶۳۵ - ۱۱۱۵۵ : تلفن تهران: ۸۸۹۰۹۸۶۲-۸۸۹۰۹۷۲۲

قم: میدان شهدا، خیابان حجتیه، تلفن: ۷۷۴۲۵۹۴ - ۷۷۳۶۴۴۰

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

۶	اشاره مترجم
۷	سخنی از مترجم (برای چاپ اول)
۱۰	مقدمه مؤلف «چاپ دوم»
۱۳	مقدمه مؤلف «چاپ اول»

بخش اول

۱۷	جامعه و طبقات اجتماعی
۱۸	جامعه از دیدگاه نهج البلاغه
۲۲	طبقات اجتماعی و خاستگاه آن
۳۰	ارزش برتر و طبقات اجتماعی

بخش دوم

۴۹	درآمدی به بررسی طبقات در نهج البلاغه
۵۰	درآمد
۵۵	فرماندهان نظامی
۶۶	قاضیان
۷۵	والیان (استانداران - فرمانداران)
۸۳	دبیران (دولتمردان)
۹۲	کشاورزان

بازرگانان و پیشه‌وران ۱۰۳

کم‌درآمدان و ناتوانان ۱۱۱

بخش سوم

امام (ع) و روحیهٔ قبیله‌گرایی ۱۱۹

جامعهٔ قبیله‌ای و ۱۲۰

بخش چهارم

حاکم (= امام) ۱۳۱

آیا وجود امام ضروری است ۱۳۲

حاکم ۱۳۴

صفات حاکم ۱۳۴

حکومت، حاکم و مردم ۱۳۶

حقوق مردم نسبت به حاکم ۱۴۴

حق، حقوق حاکم نسبت به مردم ۱۴۷

هم‌کاری دولت و مردم ۱۵۰

بخش پنجم

آگاهی از غیب ۱۵۳

مقدمه ۱۵۴

علت انکار ۱۵۴

تجربه‌گرایی ۱۵۶

چند سؤال ۱۵۸

کوشش‌های علوم جدید در کشف نیروهای درونی انسان ۱۶۰

توجیه علمی پیش‌گویی..... ۱۶۳

بخش ششم

پیش‌گویی‌های امام علی (ع)..... ۱۶۹

پیش‌گویی در نهج‌البلاغه..... ۱۷۰

پیش‌گویی‌های دیگری که ابن‌ابی‌الحدید آورده است..... ۱۸۶

بخش هفتم

وعظ در نهج‌البلاغه..... ۱۹۷

مقدمه..... ۱۹۸

روش سخنگویان مذهبی..... ۱۹۹

نگاه درست به متون گذشته..... ۱۹۹

زندگی آرمانی در اسلام..... ۲۰۱

موقعیت سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی..... ۲۰۲

اصلاحات امام و عکس‌العمل مخالفان..... ۲۰۸

واقع‌گرایی در اسلام و در اندیشه عرب جاهلی..... ۲۱۹

نظر امام (ع) در زمینه دنیا و فقر..... ۲۲۷

هواپرستی و بسیاری آرزو..... ۲۳۳

عبرت تاریخ..... ۲۳۷

دعوت امام (ع) به جمع بین دنیا و آخرت..... ۲۴۱

تناقض ظاهری..... ۲۴۶

نمونه‌هایی از مواظ امام (ع)..... ۲۵۳

اشارهٔ مترجم

کار ترجمهٔ «الدراسات فی نهج البلاغه»، نوشتهٔ دانشمند فقید لبنانی، شیخ محمدمهدی شمس‌الدین، به سال‌ها پیش از این، سال‌های قبل از انقلاب، برمی‌گردد. در آن روزها با عطشی توصیف‌ناپذیر این کار را انجام دادم. در زمینهٔ معرفتی نهج‌البلاغه و اندیشه‌های امام علی بن ابی‌طالب(ع)، برای من کار تازه‌ای بود، حرف‌های خواندنی فراوان داشت، به خوانندهٔ خود دیدگاه تازه و اطلاعات تازه می‌داد. با توجه به همین ارزش‌ها بود که با همت و عنایت مسئولان محترم بنیاد نهج‌البلاغه به چاپ رسید و مورد اقبال خوانندگان هم قرار گرفت. با همهٔ این احوال، با تأسف بسیار، تجدید چاپ آن، سال‌ها، به تأخیر افتاد.

اکنون که با تأملی دیگر کتاب را از نظر گذراندم، با این‌که آن، تنها «جستجویی» در نهج‌البلاغه بود، و در جای‌جای آن سخنان ناگفتهٔ فراوانی دیدم، دقایق بسیاری را هم در آن یافتیم که هر یک می‌تواند اندیشهٔ پویای خوانندهٔ جوان را برانگیزد و به تأمل در سخنان امام(ع) وادارد. این فواید مرا بر آن داشت که در ویرایش و آراست و پیراستهٔ عبارات، تجدید نظر جدی کنم و نشانه‌گذاری را بنا بر پسند امروز خود تغییر دهم. امیدوارم این کار مقبول نظر علاقه‌مندان و خوانندگان عزیز قرار گیرد و در فهم بیشتر سخنان امام علی(ع) قدمی مؤثر و مفید باشد.

در پایان این یادآوری، لازم می‌دانم که از مسئولان ارجمند بنیاد محترم نهج‌البلاغه، صمیمانه، سپاس‌گزاری کنم.

و توفیق از خداست

محمود عابدی، خرداد ۸۶

سخنی از مترجم (برای چاپ اول)

با این که می‌دانیم نهج البلاغه، کلام علی (ع)، سخن عقل است، زمزمه ناب عاشقی است، صورت معنای اخلاص و تصویر بی‌پرده یقین است، و سخن علی (ع) است، او که برتر از اندیشه می‌اندیشد و بالاتر از بیان می‌گوید و سخن او «فراتر از سخن مخلوق است».

و می‌دانیم سخن علی (ع)، بیان روش قرآن، دلیل قاطع برهان، و عبادت است، راز و نیاز است، راز و نیازی که در آن نیاز بندگی و راز خدایی با زبان اخلاص فریاد می‌شود. راز و نیاز بنده‌ای که خدای خود را می‌بیند، و آزاد از شوق بهشت و فارغ از خوف دوزخ او را می‌ستاید، و ناله‌های تنهایی مردی که سخن نه «به خود» می‌گوید که «ششقه» ای است می‌جوشد و فرو می‌نشیند.

و می‌دانیم سخن علی (ع)، کلام علی است، و نه تنها نهج بلاغت است که آئینه امامت و عدالت، و آئین سیاست و حکومت است. سخن است؛ اما چون درخت پاک همواره سرسبزی است که در زمین ریشه در دل انسان دارد، و بر آسمان شاخه بر بال فرشتگان گسترده است.

و می‌دانیم در سخن علی (ع)، نهج البلاغه، فکر و ذکر علی را، ناله‌ها و فریادهای علی را، زندگی و حکومت علی را، و علی را می‌توان یافت، دید و شناخت، و دریافت که با علم راسخان توحید و معرفت می‌گوید، که تقوی و اهل تقوی را، و آرمان انسان متقی را می‌شناساند، که خار در چشم و

استخوان در گلو می‌نالد، که داد ویرانه‌هایی را که در پای کاخ‌ها فروافتاده‌اند، می‌گیرد، که گرسنگان و تهیدستان را در کلبه همت و آبرویشان می‌جوید، که فرمانداران و کارگزاران خود را به صراحت بازخواست می‌کند و به هدایت راه می‌نماید، که دنیا را، و قدرت دنیا را، و غرور دنیا را می‌شناسد و به خود وامی‌گذارد.

و می‌دانیم نهج البلاغه علی(ع)، یار نخستین پیامبر(ص) و نخستین جانشین او، خود عالمی است، فرهنگی است، و بزرگان سخن و فرهنگ ما، آنان که سخن‌سازان تاریخ فرهنگ و ادب ما، از زلال قرآن و نهج البلاغه نوشیده‌اند، و از آن روز که گنجینه خاطرها از این گوهرها خالی مانده، غنای شعر و ادب و فرهنگ ما به فقر نشسته است؛ و نیز هزار سخن دیگر می‌دانیم.

اما نهج البلاغه، کلام علی(ع)، کلام اسلام و کلام اسلامی، قدر ناشناخته مانده است و ما خود نشناخته‌ایم و شناسانده‌ایم؛ و امروز، روزی دیگر است که باید این حجاب برکنار رود، و این چشمه سرشار روان گردد، و ما از گنجینه‌های فرهنگی خود آگاه شویم، بشناسیم، و بشناسانیم.

کتاب حاضر با همین قصد نوشته شده و صورت فارسی یافته است، لیکن با همه «سیرها»ی پرخیر و برکتی که کرده‌اند و جستجوهایی که شده است، ما هنوز و امروز در اول راهیم، و ادامه این راه چه راهروان صادق می‌طلبند، و چه سخت‌کوشان مؤمن می‌جوید.

«بنیاد نهج البلاغه» با صداقت و ایمان «بنیاد» گرفته و راهی این راه است که خداوند بنیادش را چون گامش استواری بخشند و پایدار دارد. مترجم در کار این ترجمه، همواره از تشویق و صمیمیت برادران «هیئت تحریریه بنیاد» نیرو یافته است و از این روی خود را سیاست‌گذار

آنان می‌داند.

سخن آخر این‌که متن مورد مراجعه ما نهج البلاغه مصحح صبحی صالح است و ترجمه خطبه‌ها و نامه‌ها، تا شماره ۵۰ از برگردان خوب و دقیق آقای دکتر اسدالله مبشری گرفته شده است.

محمود عابدی

www.ketab.ir

مقدمه مؤلف

(برای چاپ دوم)

وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ، مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

در مقدمه چاپ اول این کتاب «الدراسات في نهج البلاغة» گفته شد که نهج البلاغه اثر جاودانه‌ای است که در محدوده مکان نمی‌گنجد و گذشت زمان انسان را از آن بی‌نیاز نمی‌کند؛ زیرا از آن جمله آثار انسانی است که نه تنها برای قوم و گروه معینی به وجود نیامده، و ملت خاصی را مورد خطاب قرار نداده است؛ بلکه با انسان، هر جا که باشد، و پیدا شود، سخن می‌گوید، و از این رو هر دلی را می‌نوازد، هر زخمی را مرهم می‌نهد، و هر اشکی را از رخسار آدمی می‌شوید. به همه بشریت تعلق دارد، و در نزد همه انسان‌ها اثری جاودانه است.

من یقین دارم که این کتاب ارجمند، پاسخگوی نیاز بسیاری از روشنفکرانی است که امروزه سنگینی دردها و مشکلات موجود در جهان اسلام و عرب را، بر جان و دل خود احساس می‌کنند.

در جهان امروز، ما در مبارزه فکری و فرهنگی سختی درگیریم، دشمن بر آن است که شخصیت و هویت ما را به نابودی کشد، بدین ترتیب که پایه‌های عقیدتی، فرهنگی و تاریخی ما را سست کند و درهم ریزد.

در زمینه‌های اجتماعی نیز از پراکندگی و تفرق و کشاکش مرگباری رنج می‌بریم، این مصیبت چون زالویی خونخوار، همواره نیروی امت اسلامی را به کام

می‌کشد، و آن را در رویارویی با دشمن صهیونیست و حمله به آن، خارج از محدودهٔ لفظ و شعار و شکوی و شکایت بی‌حاصل به شورای امنیت و دیگر سازمان‌های وابسته به قدرتمندان که تنها در خدمت مصالح آنان کار می‌کنند، ناتوان می‌سازد. سازمان‌هایی که لباس مشروعیت بر اندام مهیب ستمی می‌پوشانند که بیدادگری بی‌نظیر تاریخ انسان، یعنی آواره کردن مسلمانان و اعراب فلسطینی، و جای دادن صهیونیست‌ها در خانه و وطن غصب شدهٔ آن‌هاست.

در زمینهٔ مفاهیم اسلامی، مسلمانان اعم از باسواد و بی‌سواد، روشنفکر و عامی از نوعی اشتباه و سوء فهم عجیبی رنج می‌برند، به گونه‌ای که مفاهیمی مانند زهد، قناعت، توکل، قضا و قدر و غیر آن، تغییر معنی داده و در ذهن بسیاری از آنان، در برابر دشواری‌های زندگی و حرکت جاری تاریخ، معانی تخریبی تسلیم‌پذیری و انقیاد از خواسته‌ها و فرمان‌های دیگران یافته است.

اما چه باید کرد؟

بخصوص که امروز در هر زمینه‌ای با مسائلی روبه‌رویم.

در نهج البلاغه - که اسلام ناب، چنان‌که امام علیه‌السلام آموخته و با آن زیسته، نموده شده است - برای هر یک از مسائل و مشکلات امروز ما، راه‌حل اصولی و ریشه‌ای وجود دارد. از این‌رو، چنان‌که قبلاً نیز گفته‌ام، امیدوارم که این کتاب گران‌قدر نیاز بسیاری از ما را برآورده سازد.

همین امید مرا ترغیب و مجبور می‌کند تا به تقاضاهای مکرری که از چندین سال پیش، و پس از کمیاب شدن چاپ اول این کتاب، از جانب دوستداران شده و می‌شود، پاسخ مثبت دهم و آن را آمادهٔ چاپ سازم، با این آرزو که خداوند، مطالعهٔ آن را برای خوانندگان مفید، و برای من در ساعت تقابش سودمند کند.

امتیازی که این چاپ به چاپ نخستین دارد، افزوده‌هایی است که با مراجعهٔ سریع در آماده کردن کتاب برای چاپ به خاطرم رسیده است؛ و نیز علاوه بر تنظیم تازهٔ مطالب، تقسیم‌بندی آن‌ها به روشی ممتاز است که جوینده را در یافتن

بخش‌هایی که از نهج البلاغه گرفته شده، مدد می‌کند. برای این‌کار، چه در مواردی که متن را آورده‌ام، و چه در مواقعی که به آن اشاره کرده‌ام، به شماره‌ترتیبی که در چاپ‌های نهج البلاغه آمده، و بیشتر چاپ‌های جدید به آن توجه داشته‌اند، اعتماد کرده‌ام و این امر در خطبه‌ها، نامه‌ها، و کلمات قصار یکسان است.

از خدای تعالی شانه‌مسئلت داریم آنچه را بدان معرفت و آگاهی نداریم، به ما بیاموزد و در به کار بستن آنچه می‌دانیم ما را توفیق دهد، و این کار ناچیز را به حُسن قبول بپذیرد و آن را کاری تنها در راه خود قرار دهد.

والحمد لله رب العالمین،

بیروت، شعبان ۱۳۹۲،

محمد مهدی شمس‌الدین

مقدمه مؤلف (برای چاپ اول)

فرهنگ گران‌بها‌ترین میراثی است که انسان برجای می‌گذارد. این میراث که در اساس با تمدن مادی تفاوت‌ها دارد، آدمی را که در میزان ارزش‌ها موجود حقیری بیش نیست، به معراج معنویت سوق می‌دهد و او را به وجود راستین و کمال شایسته خود می‌رساند.

و راستی هم تمدن مادی، هر قدر ارزشمند و گران‌بها فرض شود، در مقایسه با آثار معنوی، بیش از جزء ناچیزی از مجموعه فرهنگ انسانی به‌شمار نمی‌آید. باید بدانیم که بیش‌تر پدیده‌های فرهنگی جاودان و ابدی نیستند و عمری کوتاه دارند و بی‌آن‌که به کل انسانیت و هستی آن پیوند خورده باشند، تنها به بعضی از ملت‌ها اختصاص دارند. این محدودیت همه‌جانبه، از آن‌جا ناشی می‌شود که آثار مذکور، در نتیجه عوامل مشخصی پدید آمده‌اند و نماینده نیازهای فکری و اجتماعی خاصی هستند. بنابراین حیات و ارزش آن‌ها، همراه عامل پدیدآورنده خود، از بین می‌رود و نمی‌تواند جوهری را که خمیرمایه آن اصالت و عمق و عمومیت، و قابلیت گسترش از محیطی بسته به فضایی گسترده و نامحدود است، داشته باشد.

در کنار این نوع میراث، که فرهنگی محلی و وابسته به زمان و مکان معینی است، هر ملتی آثار فرهنگی اندکی دارد، که برای خود او جاودانه است و گذشت زمان هرگز از تازگی آن نمی‌کاهد. زیرا که این‌گونه آثار، در جان ملت خویش ریشه بسته است و از قلبش خون می‌گیرد، و به این سبب تا روزی که آن ملت موجودیتی دارد آن را میراث گران‌بها و جاودانی می‌شمارد.

در کنار این فرهنگ جاودانه، فرهنگ بسیار خاص و بسیار نادری وجود دارد که متعلق به کل انسان است، و زمان معینی را نمی‌شناسد.

به هر صورت، اگر چنان است که قسمت اعظم فرهنگ انسانی، زمانی و مکانی است و قسمت کم‌تری به مکان خاصی وابسته است، بخش بسیار کم‌تر، و در عین حال گران‌بهارتر و پرجای‌تری از فرهنگ متعالی بشری را می‌شناسیم که در چارچوب زمان و مکان نمی‌گنجد، و به جهان بی‌حد و مرز انسان بستگی دارد.

این آثار ابدی از نظر همه ملل و اقوام، جاودانه و فناپذیر است؛ زیرا که به گروهی خاص خطاب نمی‌کند، شرح پریشانی‌ها و بیان درد دل یک ملت نیست، با انسان، هر جا که باشد و پیدا شود سخن می‌گوید، با تپش هر دلی هم‌نوایی دارد، هر جراححتی را مرهم می‌نهد، هر دیده‌گریانی را می‌خنداند، به انسان تعلق دارد و از نظر همگان ابدی و جاودانه است.

این آثار با همه اندکی و محدودیت، روح صفا و شرف را در انسان برمی‌انگیزد، و در مقابل عوامل شری که آدمی را به پستی خاک فرو می‌کشاند، او را به ذروه بلندی و تعالی و به سوی سرچشمه نور پرواز می‌دهد.

نهج البلاغه از این‌گونه آثار است. این اثر جاودانه، از هر جهت که بررسی شود، چه از نظر قوت و استحکام لفظی، و چه از دید غنا و سرشاری معنوی، از زمره آثاری است که نظیر آن در میان آثار ادبی و فرهنگی بشر، با همه گستردگی آن، اندک است. و درباره آن، چه به حق گفته‌اند: «فروتر از کلام خالق است و فراتر از سخن مخلوق».

بیان علی علیه السلام، در نهج البلاغه معجزه بلاغتی است که در آن، اندیشه سحر آواز و نغمه می‌گیرد، و نغمه و ترنم، مایه اندیشه و تفکر می‌یابد. در نهج البلاغه، عقل و احساس، و عاطفه و تفکر به هم پیوند می‌خورد، و خواننده هنگامی که به افکار بکر و بلند آن می‌اندیشد، خود را در مقابل موجود زنده‌ای می‌یابد که دارای پویش و حرکت است، قلبش می‌زند، و خون زنده در شریان‌های آن به گرمی جریان دارد. و نشانه اعجاز هر سخنی همین است.

از سوی دیگر، کلام معجز‌آسای امام، هرگز از ستایش زور، سودپرستی، و شائبه

احساس پستی که عادتاً درونمایه کلام سخنبران است، رنگی ندارد؛ بلکه در نهج البلاغه، سخن بلند او، تنها و تنها به خدمت انسانیت گرفته شده است. در نهج البلاغه، علی، منحصرأ مبارزه ضعیفان را می‌ستاید، حقوق فقیران را باز می‌نماید، نیکوکاران و صالحان را تمجید می‌کند، و هرگز از قدرت زورمداران، ثروت سرمایه‌داران، و ستم سرکشان و مستکبران، جز به نکوهش و مذمت یاد نمی‌کند.

مدار سخن در نهج البلاغه، آزادگی و بندگی، ثروت و فقر، عدالت و بیداد، جهل و علم، جنگ و صلح است. و مبارزه پایان‌ناپذیر و دائمی که در راه ساختن جهانی برتر برای انسانی برتر وجود دارد.

نهج البلاغه کتابی انسانی است، انسانی با تمام معنایی که این کلمه دارد؛ چرا که به انسان و حیات انسانی ارزش و احترام می‌نهد، و در روزگاری که انسان در نظر حاکمان و زمامداران به اندازهٔ پیشیزی نمی‌آرد، حقوق انسان را به رسمیت می‌شناسد؛ و بالاخره انسانی برای آن‌که عشق به حیات و کوشش و کار برای زندگی را، تا آن‌جا که ضامن تعالی و طهارت حیات انسان باشد، در او برمی‌انگیزد.

به این دلیل و دلایل دیگر، نهج البلاغه، در امتداد جاری زمان، مانند روزگاران گذشته، به عنوان نمونه‌ای از آن نوع قلیل فرهنگ متعالی انسانی، باقی خواهد بود و هرگاه پردهٔ ظلمات، دیده‌ها را فروگیرد به آن روشنایی خواهد بخشید.

و باید چنین باشد؛ زیرا که حاصل اندیشهٔ بزرگ مردی است که اسطورهٔ مردانگی‌ها، جهان‌فضیلت‌ها و مثل‌اعلای خصایصی است که سرمایهٔ شرف و کرامت انسان است.

اما هدف من در این جستجوها کشف ابعادی است که مورد توجه کسانی که درباره سخنان امام (ع) مطالبی نوشته‌اند قرار نگرفته است؛ و آن، آرای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن حضرت است. و به‌راستی هم نویسندگان، آن‌چنان‌که باید، بر آرای امام در این زمینه‌ها توجه نکرده‌اند. گویی بررسی و بحث در اطراف نحوهٔ سیاست او (ع) آن‌ها را از توجه به علم وی بازداشته است؛ در حالی که فهم دقیق و دریافت کامل روش کشورداری هر زمامداری بدون آگاهی از آرای سیاسی،

اجتماعی و اقتصادی او ناممکن است.

عامل دیگری که مرا بر این کار واداشت، این بود که می‌دیدم بسیاری از سخنگویان و وعاظ مذهبی، در عرضه نهج البلاغه به توده مردم چنان می‌نمودند که این کتاب مجموعه اندرزهایی است که رغبت و میل به زندگی را در انسان از میان می‌برد، و حتی این مصیبت کج فهمی به گونه‌ای ادامه دارد که به وضوح آن را از طرز گفتار بسیاری از واعظان این روزگار نیز می‌توان خواند. از این رو خواستم روشن کنم که نهج البلاغه، به اندازه‌ای که به مشکلات و مسائل معنوی، اجتماعی و اقتصادی پرداخته است و راه حل این مشکلات را ارائه کرده، هرگز به پند و اندرز توجه نداشته است و حتی نصیحت‌ها و اندرزهایش نیز، با توجه به عوامل و انگیزه‌های اجتماعی آن هیچ‌گونه نسبتی با سخن این واعظان ندارد و به چنان نتایجی نمی‌انجامد.^۱

نجف اشرف، شعبان ۱۳۷۵
محمد مهدی شمس‌الدین

۱. در این کتاب فصل خاصی با عنوان «وعظه» خواهیم داشت و در آنجا نهج البلاغه را از این نظر بررسی خواهیم کرد.